

الگو برداری از دوره رزیدنتی بوعلی سینا و جرجانی

بهروز قطبی



یکی از چالش‌های وزارت بهداشت و غیره که همه ساله گریبان این وزارتخانه را می‌گیرد امتحان و یا همان آزمون دستیاری پزشکی است. به این ترتیب که یک عده دانشجویان سال آخر پزشکی به اضافه پزشکان عمومی هر سال بدون آنکه کسی برایشان دعوت‌نامه فرستاده باشد، در آزمون دستیاری شرکت می‌کنند و پس از برگزاری آزمون و نتایج آن، مدعی می‌گردند که در آزمون تعلق شده، سوالات به سرعت رفته و به فروش رسیده و لذا حق آنان ضایع شده است!

وزارت بهداشت و غیره هم که دیگر در برخورد با معترضان آزمون دستیاری بر اثر سال‌ها تمرین و ممارست خبره شده، در پی انعکاس خبر تجمع دانشجویان معترض به برگزاری آزمون دستیاری امسال در مقابل مجلس، هشدار داده با رسانه‌هایی که اقدام به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی در این زمینه کنند، برخورد قانونی می‌شود!

این طور که خبرگزاری فارس نوشته، وزارت بهداشت و غیره همچنین تاکید نموده که در ۴ سال گذشته هیچ نوع تخلفی در برگزاری آزمون دستیاری صورت نگرفته و آزمون دستیاری سال جاری در کمال صحت و امنیت برگزار شده و ایضا یکی از سایت‌های خبری که اقدام به نشر اکاذیب با قصد تشویش اذهان عمومی در خصوص برگزاری آزمون دستیاری کرده به اتهام اخلاص در نظم و امنیت عمومی توقیف شده و حکم جلب مسوول این سایت نیز صادر شده است! به نظر من دلیل اصلی این همه جنجال که همه ساله در مورد آزمون دستیاری بر پا می‌شود، برگزاری همین آزمون است که اگر برگزار نشود، طبعاً مشکلی هم پیش نمی‌آید! این عرض بنده دلایل و شواهد محکم و غیرقابل انکار تاریخی دارد. کما اینکه نه در زمان ابوعلی سینا و فخر رازی و جرجانی و زکریای رازی وزارت بهداشت و غیره وجود داشته تا آزمون دستیاری برگزار کند و نه اصولاً این بزرگواران و آزمون‌میزور شرکت کرده، پذیرفته شده و مدارک تخصصی اخذ نموده بوده‌اند! این طور که بنده فهمیده‌ام آن زمان‌ها یک سیستم «استاد - شاگردی» وجود داشته، فی‌المثل یک استاد به ابوعلی سینا درس پزشکی می‌داده و مقابلاً دکتر ابوعلی سینا، بیخشد، استاد ابوعلی سینا نیز آموخته‌های پزشکی‌اش را به شاگردانش می‌آموخته است! البته احتمال اینکه فارغ‌التحصیلان پزشکی مدتی رادر مناطق محروم گذرانده تا برای تاسیس مطب منع قانونی نداشته باشند نیز وجود داشته و احتمال که بورس تحصیلی خارج از کشور هم برای بعضی از پزشکان موسوم به «از ما بهتران» وجود داشته است!

بهترین مقاله را انتخاب کنید
کد این مقاله: ۱۳۵۱۶۱
SMS ▶ ۲۰۰۵۲۸

خاطرات گذشته احساسی عالی بهم دست می‌دهد.

دلنگم. دلنگ تمام روزهای درمانگاه روستایی س... دلنگ تمام مریض‌های پیری که بعد از تمام شدن ویزیت، موقع خداحافظی دست داخل جیبشان می‌کردند و دو تا گردو برای روی میز می‌گذاشتند... دلنگ تمام دستمال‌هایی که پیرمردها و پیرزن‌ها داشتند و داخلش برام انجیر خشک و کشمش می‌گذاشتند... دلنگ رخساره... حکمعلی... رضا کوچولو... حاج باقر... ش... ج... مروری... میم... لام...

حافظه انسان حکم موزه‌ای را دارد که تعداد انگشت شمار اشخاصی مانند مجسمه‌های سنگی در آن جا تا آخر عمر پابرجا و استوار به جا می‌مانند، در صورتی که هزاران نفر دیگر مانند تماشاچی بی‌کار و بی‌نام و نشان می‌آیند و می‌روند و اثری از آنها باقی نمی‌ماند.

خاطره‌های دور

یادم می‌آید پسر بچه چهارساله‌ای آمد که پیشانی‌بخیه می‌خواست. تا خانم‌ها از جلسه بیاید مدت زیادی مانده بود و مادرش نگران بود و می‌گفت چه کسی قرار است بخیه بزند؟ منم که سرم برای زدن بخیه درد می‌کند گفتم خودم می‌زنم... اسمش سروش بود. لاغر بود و معلوم بود شیطان و وروچک است... غرغر زیاد کرد... و من با نابلون ۴- بخیه‌هایم را زدم و می‌بیشانی پسر سردارمان در سائز فکر می‌کردم که با تنها نخ موجود (سبیلک ۳-۲) زده بودم و چه قدر بد و سفت بود!

بگذریم... سه روز بعد دیدم با مادرش آمده تا زخمش را ببینم؛ وارد مطب که شد گفت سلام! مادرش گفت چرا سلام نکردی به خانوم دکتر؟ بگو سلام! که ناگهان دیدم بی مقدمه شروع کرد به رقصیدن! او چه رقص موزون و زیبایی! یک طرفه! خودش را کج می‌کرد و یک دستش را بالا می‌برد... گفتم چه؟ خوشحالی؟ مادرش گفت: «میگه حالم خوب شده... خوشحالم؛ می‌رقصم...»

بهترین مقاله را انتخاب کنید
کد این مقاله: ۱۳۵۱۶۱
SMS ▶ ۲۰۰۵۲۸

تنها کار کردن با مردمانی از جنس دیگر و زبان دیگر من نمک گیر خانه بهداشت شدم



روز سختی بود... آن خانه خالی کثیف و آن دست‌شویی کثیف‌تر و آن یخچالی که مواد غذایی پزشکی قبلی از ۹ ماه قبل داخلش مانده بود و کپک زده بود... و آن گریه‌های من و هیچ کسی که نبود تا بهم کمک کند... روز وحشتناکی بود. درمانگاه و خانه‌ای که تازه تعمیر شده بود و پر از تکه‌های گچ و سنگ بود. خانه پزشکی که آن سر درمانگاه بود. با پنجره‌هایی بدون پرده و بدون حفاظ... مویابلی که به هیچ وجه خط نمی‌داد... همه چیز انگار در هاله‌ای از تنهایی و سکوت فرو رفته بود... نمی‌دانم چرا با وجود این پیش درآمد، بعدها دلم نمی‌خواست از آنجا بروم؟

مانده بودم بین دو راهی... نمی‌توانستم به خانه مان هم زنگ بزنم و شکایت کنم. راهی بود که خودم با پافشاری انتخاب کرده بودم... نمی‌توانستم یک روزه جا بزنم. پس، ماندم.

شلنگ آبی که خانم س... آورد تا با آن ذرات گچ را از آشپزخانه بشویم. غذایی که خانم ر... به عنوان ناهار برایم داخل ماهی تابه آورد، همه از محبتشان بود... اما من آن روز واقعا تنها بودم و چه قدر دلم می‌خواست کسی بیشتر بهم کمک کند. آن محیط درمانگاه با آن گوشی تلفن سیاه رنگ با سیم طولانی‌ای که هر چه می‌کشیدی تمامی نداشت... و من حتی تا داروخانه بردم و با آن تلفن زدم... جارو شد. آشپزخانه را تی کشیدم... دست‌شویی و حمام با جوهر نمک شسته شد... گاز رو از بیمارستان برایم آوردند... (اجاق گاز اختصاصی دکتر ع... را)...

گاز پیک‌نیک آقای م... پس داده شد بهش... خط تلفن برای خودم کشیدم... خانم س... گوشی تلفن قرمز صابرا نشان را بهم قرض داد. همه چیز حل شد... خانم ر... پتو داد و بالش... و آقای س... برایم کاغذ کادو خرید و شیشه پنجره اتاق را که من و خانم ر... کج و ماوج با پوستر سل

زندگی توی شهر کوچک و بی‌روح و خسته و شلوغ، مفت‌هم نمی‌ارزد، وقتی دلت آنجا نباشد؛ زندگی مفت هم نمی‌ارزد. وقتی در «الحظه» زندگی نکنی و مدام چشم‌ت به ساعت باشد؛ زندگی مفت هم نمی‌ارزد. وقتی تمام دلت گرفته باشد؛ زندگی توی دنیای آهن و دود و ماشین و کامپیوترهای کوچک جیبی و مویابلی‌های بی‌آنتن و ساعت‌های دقیق، شادی‌آفرین نیست. کاش چیزی به اسم ساعت نبود.

کاش دلم به اندازه تمام کره زمین جا داشت. کاش هیچ‌دلی تنگ نمی‌شد. خوب می‌دانم، این دلنگی از جنس آن دلنگی کودکانه نیست. از جنس دلنگی‌ها و گریه‌های بعد از غلط داشتن در امتحان‌های ریاضی و املا نیست.

این دلنگی از جنس دلنگی‌های بی‌دلیل است. از جنس دلنگی از فاصله‌های دور است. از جنس دلنگی برای آینده است. دلم گرفته و خوب می‌دانم، نه با پیامکی! نه با ایمیلی، نه با خواندن و شنیدن و رفتنی، با هیچ کدام باز نمی‌شود.

دلم آرامش می‌خواهد. دلم شادی غیر منتظره کوچک می‌خواهد. دلم بی‌فکری و دیوانگی و شادمانی می‌خواهد. اما باز هم نمی‌دانم چرا، با همه اینها باز هم دلم، دلنگی می‌ماند.

عادت غریبی است؛ عادت به دلنگی.

حافظه انسان حکم موزه‌ای را دارد که تعداد انگشت شمار اشخاصی مانند مجسمه‌های سنگی در آن جا تا آخر عمر پابرجا و استوار به جا می‌مانند

سوم اردیبهشت ۸۴

چهار سال پیش همین تاریخ، اولین روز شروع به کار به عنوان یک پزشک طرحی تازه کار، در روستای س بود. با پدرم و آقای دال، آمده بودم و آنها بعد از تحویل وسایلم رفتند. دو روز پیش خانم دکتر س... در شهر آ... ماندم.

روز اول ورودم به روستای محل خدمتم...

Cyclotest Baby

مینی کامپیوتر محاسبه‌گر هوشمند

فقط از طریق حرارت و برآوردن

راه حل جدید برای کمک به مشکلات ناباروری

- بهترین و مطمئن‌ترین روش برای تنظیم زمان بارداری دلتوا
- جایگزینی مطمئن و طبیعی برای داروهای شیمیایی ضد بارداری
- بهترین و مطمئن‌ترین روش جلوگیری از بارداری، بالاترین آمار استفاده در اروپا و آمریکا
- اطلاعات چندین دوره مربوطه، در حافظه دستگاه ثبت شده و قابل بازیابی است
- مورد تایید انجمن پزشکان اتحادیه اروپا و آمریکا

شرکت میهن خواهان جهت پخش دستگاه فوق نماینده فعال می‌پذیرد.

تلفن: ۰۲۹۹۳۰۲۹۹۳ - ۳۳۰۲۱ - فکس: ۰۲۹۹۳۰۲۹۹۳ - تلفن بازار گانی: ۰۹۱۲۶۹۵۲۹۳۹

سال نو مبارک

کسب رضایت شما، هدف اصلی ماست

مرجان ابروانی

Marjan Abravani

Paralegal Services Inc.

اخذ ویزای دائم ظرف مدت ۶ تا ۱۲ ماه ویژه پزشکان و مشاغل ذکر شده در لیست مشاغل کانادا

سازمان حقوقی ابروانی با سرپرستی خانم مرجان ابروانی بر پایه تعهد به ایجاد و تامین معتبرترین خدمات، به متقاضیان در زمینه مشاوره حقوقی، اخذ ویزای کانادا و ایجاد فرصت‌های شغلی و خوداشتغالی بنا گردیده است، این سازمان با ارائه و فراهم‌آوری بهترین و کاملترین خدمات در زمینه‌های ذکر شده جزء پیشروترین و جامعترین سازمان‌های حقوقی در کانادا می‌باشد. خانم مرجان ابروانی عضو رسمی انجمن مشاورین حقوقی کانادا CSIC با شماره عضویت M052616 می‌باشد. در صورت تمایل برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه موارد ذکر شده با سازمان ما، در تماس باشید.

Iran-Tehran
۹۱۲۳۹۵۷۵۶۴ - ۲۶ ۲۱ ۲۵ ۶۶ - ۲۶ ۲۱ ۲۵ ۷۷

Toronto-Canada
Tel: + 1-416-9136380
Fax: + 1-416- 9136386
Mobile: + 1-416-6717353

www.easyimmigration.ca
E-mail: info@easyimmigration.ca

جلسه اول مشاوره رایگان می‌باشد.

PLS

the pioneers in self study learning

فرزنده نوروز باستانی شادباد

همیشه یک گام پامانید!

بکار برای همیشه انگلیسی را یاد بگیرید

درون و بدون توقف صحبت کنید

آمادگی جهت مصاحبه سفارت، مسافرت، ارائه سفینار

سفر آسانی، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و...

فروش ویژه

چرا PLS؟
مزایای متمم به فرد PLS:

- دیگر لازم نیست وقت خود را در رفت و آمد بین آموزشگاه هدر دهید با هزینه کمتر از دو ترم آموزشگاه، فراگیری کامل زبان انگلیسی را برای خود و خانواده‌تان به ارمغان آورید.
- اعطای مدارک بین‌المللی از انگلستان (پس از آزمون)
- دارای مجوز بین‌المللی (اینستو آئی ۶۰۰۶... به مجوزهای داخلی) - جامعه مترجمین و مترجمین و وزارت (شاد...)

ریسک نکلید!

عدم موفقیت شما = برکت کامل هزینه

فن مکالمه در همه ای یادگیری بدون فراموشی با تضمین کتبی قابل استفاده مجربان، پزشکان، مهندسی و متخصصین

تلفن: ۰۸۸۶۰۳۹۵۰۶ - همراه: ۰۹۱۶-۲۳۰۸۴۳۰
مرکز پیشه میدان وک، خیابان ماسخدا، ساختمان ۱۶۵ پلاک ۷

WWW.PLSCENTER.ir